

بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران

محمدعلی نعمتی

استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و مقایسه این ویژگی‌ها به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل انجام شده که در این راستا، نمونه‌ای بالغ بر ۸۵۶ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران انتخاب گردیده است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه استاندارد شده «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی» در ۸ بعد با ضریب پایایی ۰٫۹۰۹ است. مهمترین نتایج و یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که دانشجویان نمونه در ابعاد ریسک‌پذیری، سلاست‌فکر و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته، در ابعاد کانون کنترل، توفیق‌طلبی، عملگرایی و رویاپردازی در وضعیت قوی، در بعد تحمل‌ابهام در وضعیت بسیار قوی و در کل روحیه کارآفرینی دانشجویان نمونه دارای وضعیت قوی ارزیابی شده است. سایر نتایج نشان می‌دهد که میان دو گروه دانشجویان زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از ریسک‌پذیری، رویاپردازی و چالش‌طلبی و در کل بین روحیه کارآفرینی تفاوت معنادار وجود داشته، میان کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف تنها در خصوص برخورداری از ویژگی موفقیت‌طلبی تفاوت معنادار بوده و بین کل دانشجویان نمونه رشته‌های تحصیلی مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی‌های سلاست‌فکر، تحمل‌ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی تفاوت معنادار مشاهده گردیده است. همچنین بین کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف تنها در خصوص برخورداری از ویژگی تحمل‌ابهام تفاوت معنادار بوده است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، دانشگاه و دانشجو.

مقدمه

فناوری، نوآوری و کارآفرینی است. از دیگر سو، امروزه در جوامع دانش‌بنیان، دامنه تأثیر کارآفرینی بسیار وسیع بوده، به نحوی که از تغییر در ارزش‌های اجتماعی، تا رشد شتابان اقتصادی را شامل می‌شود و مواردی همچون اشتغال‌زایی، توسعه دانش و فناوری، شناخت و گسترش بازارهای جدید، ساماندهی و بهره‌گیری اثربخش از منابع، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش ثروت در جامعه را دربرمی‌گیرد به طور کلی، کارآفرینی پدیده فنی-اقتصادی جدیدی است که طی دهه‌های اخیر، جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت خود متحول ساخته است. در حال حاضر که اقتصاد کشور گرفتار نارسایی‌ها، کمبودها و سوء مدیریت‌های

امروزه بشر در عرصه‌های مختلف با چالش‌های عظیمی مواجه بوده که محوریت مشترک تمامی آنان توسعه دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی است. در این راستا، جوامع توسعه‌یافته طی دهه اخیر متوسل به رویکردهای جدیدی در حوزه‌های اقتصاد و توسعه ملی گشته که از آن به توسعه و اقتصاد مبتنی بر دانش یاد می‌شود. توسعه و اقتصاد دانش با رویکردی جهانی، مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر پیش‌روی کشور در راستای تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار و همچنین دستیابی به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طی سال‌های آتی محسوب می‌گردد که شکل‌گیری آن در کشور نیازمند پیدایش، نضج و برقراری تعاملات پویا میان نظام‌های ملی علم،

تکاملی مفهوم کارآفرینی و توسعه آن در جهان نشان می‌دهد که خاستگاه اصلی آن کشور فرانسه است. در اوایل قرن شانزده میلادی، افرادی که مأموریت‌های نظامی را در این کشور هدایت می‌کردند، کارآفرین نامیده می‌شدند، اما پس از سال ۱۷۰۰ میلادی، فرانسویان این واژه را برای پیمانکاران دولتی نیز به کار بردند. واژه فوق در ادبیات فارسی ابتدا به معنای کارفرما و سپس کارآفرین ترجمه شده است.

طی سال ۱۹۳۳ کارآفرینی وارد حوزه جدید و وسیع‌تر " کسب و کار" شد و کارآفرین فردی قلمداد گشت که مدیر و مؤسس یک بنگاه اقتصادی باشد. به دنبال آن، شومپیتر^۲ این حوزه را گسترده‌تر مطرح نمود و بیان داشت که کارآفرین می‌تواند در استخدام فرد یا سازمان دیگری نیز قرار گیرد و مفهوم کارآفرینان سازمانی را به حوزه پیشین اضافه نمود. در حقیقت، کارآفرینی مفهومی پیچیده، چندلایه و پراضلاعی است که ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته و حوزه‌های متعددی را در جامعه، متأثر از خود می‌سازد (آنوخین و شولتز، ۲۰۰۹؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۶).

در ارتباط با روند تکاملی کارآفرینی در کشور، باید اشاره نمود که تا آغاز برنامه سوم توسعه، توجه جدی به امر توسعه کارآفرینی در کشور نشده بود و حتی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیز به جز مواردی بسیار نادر، از این امر مهم غفلت گردیده بود. وضعیت نامطلوب بیکاری در آغاز دهه ۱۳۸۰ موجب شد، پدیده توسعه کارآفرینی برای نخستین بار در کشور در قالب سومین برنامه توسعه ملی به طور رسمی مورد توجه قرار گیرد. پس از آن، توسعه کارآفرینی در کشور همزمان با توسعه علم و فناوری طی فرایند تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ که مسیر کلی حرکت کشور را طی چهار برنامه توسعه تبیین می‌نماید در سال ۱۳۸۴ به خوبی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در این سند، هدف کلان و بلندمدت کشور، دستیابی به جایگاه نخست علمی، فناوری و اقتصادی منطقه آسیای جنوب‌غربی، آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه طی برنامه‌های توسعه چهارم، پنجم، ششم و هفتم پیش‌بینی شده است که مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر دستیابی به این هدف، تحقق توسعه و اقتصاد مبتنی بر دانش با تأکید بر توسعه نوآوری و کارآفرینی در کشور است.

فراوانی است و این امر منجر به وضعیت ناهنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت سرمایه‌گذاری دولت، ضعف در صادرات غیرنفتی و کاستی‌های متعددی از این قبیل شده است، نیم نگاهی به وضعیت جهانی، اقتصاد ما را به سوی این باور می‌کشانند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه مشروط بر آن که هوشمندانه، هنرمندانه و با فرهنگ، امکانات، توانایی‌ها و سلیقه ایرانی آمیخته شود، مناسب‌ترین راه بهبود وضعیت امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت آن است. از دیگر سو، ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته به طور اساسی متفاوت گردیده است. شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های مشهود که دیروز در بنگاه‌های اقتصادی نقشی تعیین کننده داشت، جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات/خدمات جدید و دارایی‌های نرم افزاری داده است. اگر در دهه‌های پیشین، ثروتمندترین افراد دنیا کسانی بودند که منابع مالی بیشتری را در اختیار داشتند، امروزه ثروتمندترین آنان، افراد صاحب دانش و فناوری و کارآفرینان موفق هستند. از اینرو، توسعه اقتصادی در جوامع امروزی بر پایه‌های نوینی همچون دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی استوار گردیده است. اهمیت کارآفرینی و نقش کلیدی آن در پیشرفت جوامع، موجب شده است که اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بهره‌گیری از آن را مورد توجه قرار دهند و در این مسیر از طریق تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های علمی و استراتژی‌های کاربردی، در راستای بسط و تقویت فرهنگ، روحیه و رفتار کارآفرینی میان آحاد جامعه به طور اعم و دانشجویان و دانشگاهیان به طور اخص تلاش نمایند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، مطالعه و سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران به منظور جهت‌دهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور بوده است.^۱

پیشینه تحقیق

به طور کلی "کارآفرینی" از ابتدای خلقت بشر همواره با او در تمام عرصه‌های زندگی حضور داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های وی بوده است. نگاهی گذرا به روند

2. شومپیتر از سال ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۳۲ استاد دانشگاه بُن و از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۵۰ استاد دانشگاه هاروارد بوده است.

1. شایان ذکر است که این پژوهش با حمایت معاونت محترم دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت پذیرفته است.

پس از تدوین سند چشم‌انداز طی برنامه چهارم توسعه، نقش علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین در نظر گرفته شد. گسترش بازار محصولات دانش‌بنیان، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی در این قلمرو، از جمله اهداف مورد توجه در این برنامه در راستای رشد اقتصاد دانش‌محور بود. به طور مشخص، ۱۵ مورد از مواد قانونی برنامه چهارم به موضوع توسعه مبتنی بر دانش پرداخته است نظیر ماده ۱۱۶ و ۴۵ به تدوین حقوق مالکیت معنوی، ماده ۴۴ به شکست بازار در تولید دانش، ماده ۴۵ به حمایت مالی مستقیم و سوسپید به بخش پژوهشی و ماده ۴۶ به سرمایه‌گذاری دولتی در پژوهش اشاره داشته است. مباحث مربوط به توسعه علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی نیز در لایحه برنامه چهارم توسعه در فصول ۱، ۲، ۳، ۴ و ۸ مورد توجه قرار گرفته بود. در برنامه پنجم سازندگی (توسعه) نیز که محور اصلی آن دستیابی به اقتصاد و توسعه مبتنی بر دانش در راستای تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تعریف شده است، توجه و تأکید بر امر توسعه کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان، بنگاه‌های کوچک و متوسط و مراکز چندگانه حمایت‌کننده از این افراد و بنگاه‌ها نظیر شهرک‌های علمی، تحقیقاتی و فناوری و پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری و همچنین شکل‌گیری و نضج نظام‌های ملی علم، فناوری، نوآوری و کارآفرینی در کشور بیش از دو برنامه پیشین صورت گرفته است و این مهم در مواد، تبصره‌ها و بندهای قانونی متعدد برنامه پنجم سازندگی (توسعه) مورد تأکید قرار گرفته که پرداختن به تمامی آنان مجال دیگری را می‌طلبد. طی سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی در حوزه کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در داخل و خارج کشور انجام شده است که برخی از آنان عبارت است از: عطار در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی کارآفرینانه بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان مدیران شرکت‌های خودروسازی ایران" در سال ۱۳۸۸، به این نتیجه دست یافت که ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تأثیر مثبت و معناداری بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی مدیران داشته و منجر به توسعه کارآفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش توان رقابتی در دنیای پر از رقابت و در حال تغییر

سازمان‌ها می‌شود (عطار، ۱۳۸۸). کردنائیج و همکاران در تحقیقی با نام "سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران" در سال ۱۳۸۸، قادر گشتند پنج ویژگی اصلی کانون کنترل درونی، انگیزه پیشرفت بالا، خلاقیت زیاد، ریسک‌پذیری متعادل و تحمل ابهام بالا را به عنوان ویژگی‌های اصلی شخصیتی کارآفرینانه شناسایی نمایند (کردنائیج و دیگران، ۱۳۸۸). فیض در پژوهشی با عنوان "سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه سمنان" در سال ۱۳۸۷، به این نتیجه دست یافت که دانشجویان دانشگاه سمنان از منظر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در ابعاد کانون کنترل، توفیق‌طلبی، عمل‌گرایی، رویاپردازی، سلاست‌فکر و تحمل‌ابهام در وضعیت قوی و بسیار قوی و در ابعاد ریسک‌پذیری و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته و در کل روحیه کارآفرینی آنان در وضعیت قوی ارزیابی شده است (فیض، ۱۳۸۷). بوجین‌هاون و همکاران در تحقیقی تحت عنوان "خصیصه‌ها و تأثیرات چندگانه فرهنگ کارآفرینانه" در سال ۲۰۰۷، عواملی چون همکاری، تمایل به ریسک، خلاقیت و نوآوری، هماهنگی و برقراری ارتباط با دیگران را به عنوان ویژگی‌های اساسی فرهنگ سازمانی کارآفرینانه شناسایی نمودند که این عوامل منجر به اثربخشی در عملکرد سازمانی می‌گردد (بوجین‌هاون و همکاران، ۲۰۰۷). هوارد در تحقیقی با نام "توسعه قابلیت‌های کارآفرینی در جوانان" در سال ۲۰۰۴، به این نتیجه رسید که رابطه‌ی مستقیمی میان پرورش ویژگی‌های استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتمادبنفس، جسارت و خلاقیت دانش‌آموزان با توسعه قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی آنان وجود دارد (هوارد، ۲۰۰۴). لیتون در پژوهشی تحت عنوان "کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه" در سال ۲۰۰۰، ویژگی‌های کارآفرینی را شامل توانایی خطرپذیری، نوآوری، اشتراک مساعی، دانش فنی، بازار و بازاریابی، مهارت‌های مدیریت کسب و کار، نگرش مثبت به کسب و کار و توانایی برای شکار فرصت‌ها شناسایی نموده است (لیتون، ۲۰۰۰).

رویکردهای کارآفرینی

در روند تکاملی و سیر تبیین مفهوم کارآفرینی ویژگی‌ها، کارکردها و نقش‌های متنوعی به کارآفرین نسبت داده شده است. در حقیقت، کارآفرینی از نظریه‌های اقتصادی منشأ گرفته و از ابتدای قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۶۰ تنها اندیشمندان اقتصادی به آن پرداخته‌اند و در ادامه، نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی جوامع به شدت مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن، روانشناسان با هدف ارائه نظریه‌هایی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی و همچنین با تفکیک قائل شدن میان کارآفرینان با غیرکارآفرینان و مدیران، به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان پرداخته‌اند. در حال حاضر، نظریه‌های کارآفرینی علاوه بر مستندسازی پدیده کارآفرینی، دارای قابلیت تشریح و توصیف رفتار کارآفرینان، پیش‌بینی شرایطی که منجر به کارآفرینی می‌شود و همچنین ارائه رهنمودهای ارزشی برای اقدام درست در یک شرایط معین است. کارآفرینی ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته و از حیثه گسترده‌ای، شامل رشته‌های مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روانشناسی تشکیل شده است. به طور کلی، کارآفرینی را می‌توان از چند منظر: الف) رویکرد اقتصادی، ب) رویکرد فرهنگی-اجتماعی، ج) رویکرد روانشناختی (ویژگی‌های شخصیتی) مورد مطالعه قرار داد.

در ارتباط با رویکرد اقتصادی باید اشاره نمود که اقتصاددانان نقش کارآفرین را در قرن‌های گذشته شناسایی کرده و از طریق دو مکتب اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک مورد مطالعه قرار داده‌اند. اقتصاد کلاسیک به سهم اقتصاد، در پیش از اواخر قرن نوزدهم اشاره دارد که در اغلب موارد به اقتصاد سیاسی تعبیر می‌شود. در حوزه اقتصاد کلاسیک چندین مکتب در کشورهای مختلف قابل شناسایی است. مکتب آمریکایی توسط آماسا واکر (۱۸۷۵-۱۷۹۹) مطرح شده که نقش کارآفرین را به عنوان ایجادکننده ثروت در نظر گرفته است. پس از وی، پسرش فرانسیس ای واکر (۱۸۹۷، ۱۸۴۰) نیز بیان نموده که کارآفرینان موفق دارای ویژگی‌های آینده‌نگری، تسهیل‌کنندگی، مجری، پر انرژی و رهبری هستند. وی چهار نوع کارآفرین را شامل: الف) افراد تیزهوش و پراستعداد که

آینده‌نگر، مصمم و راسخ هستند و قادرند تا در افراد ایجاد انگیزه کرده و آنها را هدایت کنند، ب) افراد با استعداد سطح بالا که مهارت ذاتی داشته، آگاه، دقیق و مصمم هستند، ج) افرادی که در کسب و کار خوب عمل می‌کنند و به جای آن که افرادی باهوش و با استعداد باشند، دارای پشتکار و عزم و اراده قوی هستند و در نهایت د) افراد بی‌عرضه که قادر به شناخت دقیق حرفه‌شان نیستند را شناسایی نموده است. علاوه بر آن، او معتقد است که سود در ازای مهارت، توانایی یا استعداد فرد کارآفرین به وی بر می‌گردد. از دیگر سو، هاوولی (۱۹۲۹-۱۸۴۳) سود را به عنوان پاداشی برای کارآفرین به خاطر تحمل ریسک و به عنوان نتیجه کارش مطرح نموده است. بنابراین مفاهیم ریسک و عدم اطمینان به طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه‌ها ولی، تمام معاملات کسب و کار در شرایط عدم اطمینان صورت می‌گیرد. بنابراین افرادی که درگیر معاملات کسب و کار بوده و ریسک کار را می‌پذیرند، همان کارآفرینان هستند.

در مقابل مکتب آمریکایی، مکتب انگلیسی به وسیله نویسندگانی چون آدام اسمیت (۱۷۲۳-۷۹۰) و دیوید ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲) مطرح گردیده است. آنان وظیفه کارآفرین را با سرمایه‌دار تلفیق نموده و معتقدند که سود به عنوان پاداشی برای سرمایه‌مخاطره‌آمیز و نه به خاطر پیش‌بینی آینده و هدایت مناسب کسب و کار در نظر گرفته می‌شود. کارآفرینان در کسب و کارشان براساس تقاضا برای محصولات سرمایه‌گذاری می‌کنند و پاداش می‌گیرند. این مفهوم بیشتر از نوشته‌های جرّمی بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) گرفته شده است. وی مفهوم کسب و کار آزاد از کنترل^۳ را مطرح می‌نماید و آن را متأثر از سه عامل کلیدی، تمایل (تمایل به ایجاد ثروت)، دانش فنی (دانش ایجاد ثروت) و قدرت سرمایه (توانایی ایجاد ثروت) معرفی می‌کند. او استدلال می‌نماید که دولت‌ها کمتر از طریق قانون این سه عامل را تحت تأثیر قرار داده‌اند و از رویکرد آزاد از کنترل طرفداری می‌کنند. علی‌رغم این که وی موضوع ماهیت کارآفرین را به طور مستقیم مورد تأکید قرار نداده، اما بیان نموده است که کارآفرینان برای ایجاد ثروت همواره دارای تمایل، دانش فنی و قدرت سرمایه هستند. در مکتب فرانسه نیز که مفهوم کارآفرینی ریشه در این کشور دارد، ریچارد

است، میان فردی که روش‌های جدید را به کار گرفته، کسب و کارها را بهبود بخشیده و ریسک‌پذیر است و فردی که از شکست می‌ترسد و دستمزد مدیریتی خود را می‌گیرد، تفاوت وجود دارد. از دیدگاه مارشال، توسعه کسب و کار به فردی بیش از یک مدیر نیاز دارد و مستلزم دانش مبادله و دانش فنی و همچنین توانایی پیش‌بینی، شناسایی فرصت‌ها، رهبری و تمایل به بهبود عملکرد است. وی مدیریت یک کسب و کار موفق را نیازمند دو مؤلفه تلاش ذهنی مستمر برای شناسایی روش‌های تازه و ریسک‌پذیری می‌داند و معتقد است که کسب و کارهای کوچک جدید از طریق فرایند انتخاب طبیعی بقاء یافته و نضج می‌یابند.

مفهوم ریسک به وسیله تلاش‌های کارنایت (۱۹۲۱) که از نخستین اقتصاددان نئوکلاسیک محسوب می‌شود، به عنوان عامل تمیز کارآفرینی از سایر امور مدیریتی در یک سیستم تعادل عمومی تبیین گردید. او میان دو نوع ریسک قابل بیمه و غیر قابل بیمه تمایز قائل شده و معتقد است که کارآفرینان توانایی هدایت افراد را تحت شرایط عدم اطمینان دارند که این توانایی از طریق دانش و قضاوت، آینده‌نگری، اعتماد به نفس و توانایی سطح بالای مدیریتی حاصل می‌شود.

وی فرض می‌کند که تمایل به خوداشتغالی با نرخ دستمزدها نسبت معکوس دارد، یعنی اگر افراد بتوانند درآمدی بیش از دستمزدی که سازمان به آنان پرداخت می‌نماید، کسب کنند، خوداشتغالی را انتخاب خواهند نمود. از دیگر سو، از دیدگاه وان می‌سس (۱۹۷۲-۱۸۸۱) تمام تصمیمات اقتصادی مستلزم ارزیابی، انتخاب گزینه‌ها و انطباق با عدم اطمینان‌های آینده است و بیان می‌دارد که اقدام انسان متأثر و تأثیرگذار بر آینده است. به اعتقاد وی، کارآفرین تصمیم‌گیرنده‌ای است که از طریق چشم‌انداز آتی خویش، آینده را تحت تأثیر قرار داده و تحت تأثیر آن نیز قرار می‌گیرد و قابلیت سوددهی کسب و کار، پیامد چنین رفتار کارآفرینانه است. یک انحراف مهم از مدل تعادل عمومی اقتصاد نئوکلاسیک به وسیله شومپیتر (۱۹۵۰-۱۸۸۳) ایجاد گردیده است. شومپیتر کارآفرین را فردی نوآور تلقی می‌کند که ترکیبات جدیدی را از ابزارهای تولید شکل می‌دهد. در تئوری توسعه اقتصادی شومپیتر، نقش کارآفرین تخریب وضعیت موجود (تعادل عمومی) از طریق نوآوری است. نوآوری ممکن است در شکل‌های خلق محصول جدید، ارتقای کیفیت

کانتیلون^۴ به عنوان نخستین اقتصاددانی که نقش کارآفرینی را تبیین کرده، در سال ۱۷۵۵ مطرح نموده است که کارآفرین فردی است که ریسک کسب و کار را در مواجهه با عدم اطمینان می‌آزماید و در فرایند کسب و کار همواره برای به دست آوردن سود تلاش می‌کند. کانتیلون، میان سرمایه‌دار و کارآفرین تمایز قایل می‌شود و معتقد است که کارآفرین ریسک‌پذیر بوده، اما قادر نیست ریسک‌های درگیر در تصمیمات را محاسبه کند. اقتصاددانان موفق فرانسوی این مفهوم را بیشتر توسعه دادند. باودیو (۱۸۳۲-۱۷۶۷) تلاش نمود تا تئوری کانتیلون شناسانده شود. او نیز میان کارآفرین و سرمایه‌دار تمایز قائل بود، اما بر خلاف کانتیلون، ریسک و عدم اطمینان را به عنوان مرکز ثقل کارکرد کارآفرین در نظر نگرفت؛ بلکه کارآفرین را مدیری معرفی می‌نمود که نیاز داشت تا تقاضا را برآورد یا پیش‌بینی کند. با این حال وی کارآفرین را به عنوان یک عامل تغییر در یک اقتصاد پویا در نظر نگرفته است. البته مکاتب دیگری نظیر مکاتب اتریشی و آلمانی هم در رویکرد اقتصاد کلاسیک به کارآفرینی وجود دارد که مجال تشریح آنان در این مقاله نمی‌گنجد.

در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، همچنان که گلنسی و مک کواید (۲۰۰۰) تشریح نموده‌اند، محور اساسی این نکته است که اقتصاد می‌تواند به شکل نظامی که در آن تعادل وجود دارد، تحقق یابد. اقتصاد نئوکلاسیک با اقتصاد دستوری که دولت‌ها در زمینه چگونگی تخصیص منابع و سایر امور تصمیم می‌گیرند، متفاوت است و آن با علوم اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد یا ترکیبی که عوامل بازار در آن تعیین‌کننده هستند، در ارتباط است. در اقتصاد نئوکلاسیک اعتقاد بر آن است که در شرایطی که نظام در تعادل است، نیاز اندکی به کارآفرینی احساس می‌شود. این در حالی است که امروزه اثبات گردیده تحت هر شرایطی کارآفرینی برای نظام اقتصادی جوامع سودمند است؛ چراکه برای هر شرایطی در بازار، می‌تواند شرایط مطلوب‌تری هم وجود داشته باشد. در مدل‌های اولیه تعادل، کارآفرین به عنوان مدیر یا هماهنگ‌کننده سه عامل اصلی تولید شامل زمین، نیروی کار و سرمایه در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، کارآفرین مدیر فرآیند تولید است که مسئول تعیین حداکثر بازده برای سطح تعیین شده ترجیحات مصرف‌کننده است. از دیگر سو، در مدل تعادل جزئی که به وسیله مارشال (۱۹۲۴-۱۸۴۲) مطرح گردیده

آرمان‌های فردی و ملی و پاداش رفتارها را مورد توجه قرار داد (پالمر، ۱۹۸۷).

در رویکرد ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه، اعتقاد بر این است که برخی ویژگی‌های شخصیتی تعریف شده وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روحیه کارآفرینی در انسان باشد. بنابراین یکی از مقوله‌هایی که طی سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با آن صورت پذیرفته است، بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی مشترک میان کارآفرین‌ها است. به طور کلی، تا به حال ویژگی‌های متعددی در خصوص کارآفرینان در تحقیقات مختلف شناسایی شده است.

در این ارتباط روانشناسان تلاش می‌کنند تا ریشه‌های روانشناختی اعمالی که کارآفرینان انجام می‌دهند را تعیین کنند. جای این که جهان را به کارآفرینان و غیر کارآفرینان تقسیم بندی کنیم، باید توانایی‌های بالقوه ای که یک فرد کارآفرین را می‌سازد، مورد ملاحظه قرار دهیم (ساراسوئی، ۲۰۰۴). امروزه در ارتباط با اهمیت نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع توافق نظر وجود دارد. توسعه کارآفرینی در کشورها و دگر دیسی آنان به جوامع کارآفرین مستلزم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات جامع، علمی و هدفمند در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف است که اعتقاد و باور دولتمردان و مشارکت حداکثری آحاد مردم به ویژه دانشگاهیان و صنعتگران در این زمینه، بسیار تعیین کننده است. یکی از اقدامات اساسی در این راستا، شناسایی کارآفرینان و افراد واجد ظرفیت‌های کارآفرینی در جامعه است تا از طریق حمایت و هدایت آنان در نظام‌های آموزشی و آموزش عالی و سپس در جامعه و بازار، بیشترین بهره‌مندی از استعدادها و توانمندی‌های آنان در کشور صورت پذیرد. پنج ویژگی اساسی شخصیتی در کارآفرینان مشتمل بر کانون کنترل، خلاقیت، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری و موفقیت‌طلبی است که به اختصار به هر یک پرداخته می‌شود. کانون کنترل، یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی کارآفرینانه و از موضوعات بسیار حائز اهمیت در حوزه مدیریت و سازمان محسوب می‌شود. کانون کنترل به معنای آن است که شخص چگونه منبع نتایج مثبت یا منفی را به خود یا دیگران نسبت می‌دهد (محمد هادی، ۱۳۷۹). این ویژگی

محصول فعلی، توسعه فرایند تولید، ایجاد بازار جدید، تصرف منبع جدید از عرضه و ایجاد یک سازمان یا حرفه جدید ظهور یابد.

بر طبق نظر شومپیتر، کارآفرینی منبع تغییر است و نوآوری فعالیت‌ها و بازارهای جدید را خلق می‌کند. در این شرایط، سود، مازاد یا حاشیه‌ای است که از طریق عمل نوآورانه‌ای که منجر به کاهش هزینه یا افزایش قیمت می‌شود، به دست می‌آید که به طور مستقیم با بهره‌وری فرد کارآفرین در ارتباط است.

در ارتباط با رویکرد فرهنگی- اجتماعی باید اذعان داشت که این رویکرد، کارآفرین را با توجه به بستر و زمینه فرهنگی- اجتماعی و محیط پیرامونش مورد مطالعه قرار می‌دهد. رویکرد فوق، فرهنگ را به مثابه عاملی کلیدی و تعیین کننده در ارتباط با کارآفرینی می‌نگرد و بیان می‌دارد که به منظور رشد کارآفرینی در جوامع، تناسب بین سازه‌های ایدئولوژیکی و رفتار اقتصادی ضروری و بسیار حائز اهمیت است. رویکرد فرهنگی- اجتماعی، کارآفرین را تصمیم گیرنده‌ای متأثر از محیط فرهنگی- اجتماعی خاص پیرامونش معرفی می‌نماید که ایده‌ها و اقداماتش به تأثیر از آن شکل می‌گیرد. هافستد (۱۹۸۰) ابعاد فرهنگی در ارتباط با کشورهای مختلف را براساس چهار بعد فاصله قدرت، مردسالاری، اجتناب از عدم اطمینان و فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی گروه‌بندی می‌نماید. برنر (۱۹۷۲) بیان می‌دارد آن گروه‌هایی که موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند، برای کارآفرینی برانگیخته می‌شوند و بنابراین کارآفرینی پاسخ به عدم تحرک اجتماعی است. رابرت لمب (۱۹۵۲) معتقد به نقش کارآفرین به عنوان تصمیم‌گیرنده است و عنوان می‌کند که کارآفرینی یک نوع تصمیم‌گیری اجتماعی است و توسط نوآوران اقتصادی انجام می‌شود. در حقیقت، نقش عمده کارآفرین کمک به ظهور شکل تازه‌ای از جوامع محلی، ملی و بین‌المللی و دگرگون ساختن نمادهای اجتماعی و اقتصادی است. ژوزف مک‌گوایر (۱۹۶۲) معتقد است نقش کارآفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی، متفاوت است. منابع طبیعی و سرمایه نقدی ممکن است یکسان باشد، اما در درک تفاوت رفتارها باید عواملی همچون مکاتب دینی، عقاید اجتماعی، تعلیم و تربیت، هنجارها،

توجه کرده و درباره آن می‌اندیشد. حذف و سانسور شناختی در افراد خلاق کمتر صورت می‌گیرد.

گیلفود (۱۹۶۴) به دو نوع تفکر همگرا و واگرا اشاره می‌نماید. تفکر همگرا در جهت یک راه حل مشخص که از طریق بررسی وقایع تعیین شده است، هدایت می‌شود، اما تفکر واگرا (تفکر خلاق) توان آن را دارد تا در جهت مختلف سوق پیدا کند (آناستازی، ۱۳۶۱). بروز تفکر خلاق در فرد می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. از مهمترین عوامل مؤثر بر خلاقیت می‌توان به جنسیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بزرگی و ترتیب تولد فرزندان در خانواده و تأثیرات جامعه پیرامون اشاره نمود (امید، ۱۳۵۸). تحمل ابهام عبارت از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی و توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و همچنین تمایل به آغاز فعالیتی مستقل است، بی آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر. قدرت تحمل ابهام در کارآفرینان به مراتب بیش از مدیران است و کارآفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی کنند، قادرند به طور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان-نیافته و غیرشفاف مواجه شوند و ضمن رفع ابهام، آنان را به نفع خویش تغییر دهند. در حقیقت، ابهام موجب انگیزش کارآفرینان می‌شود (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸). کارآفرینان در آغاز فعالیت، با عدم قطعیت‌ها و تغییرات مداوم رو به رو هستند که منجر به ابهام و استرس در آنان می‌شود، اما کارآفرینان موفق این موارد را به عنوان جزئی از فرایند کسب و کار پذیرفته‌اند (کورتاگو و هاجتس، ۱۹۹۸). فرای معتقد است که تحمل ابهام عبارت از پذیرش عدم قطعیت به عنوان یک هنجار در زندگی یا توانایی حیات با حداقل دانش در مورد محیط است. کارآفرینان نیازی به قطعیت ندارند، زیرا آموخته‌اند که محیط مطمئن حاوی تمام آنچه می‌خواهند نیست (فرای، ۱۹۹۵). وریسون (۱۹۹۸) معتقد است که یکی از ویژگی‌های محیط کارآفرینی ابهام، عدم ثبات و فقدان پایه‌ای کافی است. افرادی که از نظر تحمل ابهام در سطح پایینی قرار دارند از موقعیت‌های سازمان‌نیافته، نامطمئن و سخت‌دوری می‌کنند. قدرت تحمل ابهام با سایر ویژگی‌های کارآفرینی ارتباط دارد (لامپکین و اردوگان، ۱۹۹۵). تحمل ابهام با

شخصیتی کارآفرینانه مشتمل بر سه بعد کانون کنترل درونی، بیرونی و درونی- بیرونی است. منظور از کانون کنترل درونی آن است که فرد رویداد خاصی را ناشی از رفتار یا ویژگی‌های نسبتاً پایدار خود می‌داند. کانون کنترل بیرونی به این معنا است که فرد نوعی تقویت مثبت یا منفی را که به دنبال رفتار خاصی آمده، معلول رفتار خود نداند؛ بلکه آن را نتیجه تصادف و اتفاق و شانس تلقی کند و با طرح عوامل محیطی، امکان پیش‌بینی آن را نفی کند (آتیکنسون و همکاران، ۱۳۶۹). بنابراین اگر ویژگی کانون کنترل بر روی یک پیوستار تصور شود، یک‌سوی آن، کنترل درونی و درون‌گرایان قرار می‌گیرند که معتقدند پیشامدهایی که با آن مواجه می‌شوند از اعمال خودشان سرچشمه می‌گیرد و در سوی دیگر پیوستار، کنترل بیرونی و برون‌گرایان هستند که ادعان می‌دارند بیشتر چیزهایی که برایشان اتفاق می‌افتد، منتج از علل و عوامل خارجی و فراسوی کنترل مستقیم آنها است. درون‌گرایان معتقدند که روند مثبت زندگی در نتیجه برنامه‌ریزی دقیق و تلاش پیگیر خود آنها به دست می‌آید؛ در صورتی که برون‌گرایان میان رفتار خود و رویدادها، رابطه علت و معلولی نمی‌یابند و برای کوشش‌های خود ارزش قائل نمی‌شوند.

آنان به امکان کنترل زندگی خویش در حال و آینده اعتقادی ندارند (بال، ۱۳۷۳). کانون کنترل درونی با واقع-بینی، شناخت و منطقی بودن همراه است؛ در حالی که کانون کنترل بیرونی احساساتی بودن، عدم شناخت و غیر منطقی بودن در برابر حوادث یا علل رفتارها را به همراه دارد (کریمی، ۱۳۷۰). هنگامی که فرد همزمان از دو ویژگی کنترل درونی و بیرونی برخوردار بوده یا وضعیتی متوسط داشته باشد، کانون کنترل درونی- بیرونی خطاب می‌گردد (آتیکنسون و همکاران، ۱۳۶۹). خلاقیت از موضوعات بسیار مطرح در دو حوزه روانشناسی و مدیریت است. جرسیلد (۱۹۶۹) معتقد است تصورات و اندیشه‌ها، پایه و اساس خلاقیت را شکل می‌دهد و کودک به جای آن که محدود به محسوسات دنیای خود شود با توسعه دامنه تصوراتش، دنیایی از شگفتی را بر روی خویش باز می‌کند. ویژگی اساسی این شیوه اندیشیدن آن است که فرد به شکلی گسترده به محیط

موفقیت به عنوان تمایل فرد به تحقق اهداف براساس مجموعه‌ای از استانداردها است (دی کینز و فویل، ۲۰۰۳).

توفیق طلبی بیانگر تمایل به ارزیابی عملکرد با تأکید بر استانداردهای متعالی، تلاش به منظور بهبود عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت و پیشرفت در کار همراه است (ماسن، ۱۳۷۰).

توفیق طلبی را می‌توان انگیزه‌ای دانست که شخص را به فعالیت و انجام بی‌نقص کاری وادار می‌کند و او بدین وسیله می‌خواهد در دیگران اثر بگذارد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴). نخستین ویژگی انگیزه پیشرفت این است که اغلب استاندارد جالبی برای این موقعیت به کار می‌رود و آن ارزیابی عمل بر حسب کیفیت است.

خصیصه دیگر، مبهم بودن نتایج است به این معنا که با حد مشخصی از تلاش در گذشته چه چیزی انجام می‌شد یا به صورت عادت انجام می‌شود. در نهایت، انگیزه پیشرفت بیان می‌دارد که یک فرد به واسطه تلاش خودش چه می‌تواند انجام دهد. به طور کلی، انگیزه پیشرفت بر این نکته متمرکز است که چگونه فرد به چنین موقعیت‌هایی پاسخ می‌دهد (بک، ۱۹۸۳).

روش پژوهش

تحقیق حاضر از منظر هدف، تحقیق کاربردی و به لحاظ مشارکت و درگیری پژوهشگر در جریان تحقیق و از منظر گردآوری داده و اطلاعات، تحقیق توصیفی-پیمایشی به شمار می‌رود. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر تمامی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی تعداد ۸۵۶ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف انتخاب گردیده‌اند. توزیع نمونه تحقیق در جدول زیر ارائه شده است.

خلاقیت و توانایی تولید ایده‌های بیشتر از طریق سیال-سازی ذهن مرتبط است.

توانایی ایده‌پردازی و نوآوری نیازمند برخورداری از ویژگی تحمل ابهام است و افراد دارای تحمل ابهام تحت شرایط یکسان، ریسک بالاتری را می‌پذیرند (تاگونا، ۱۹۹۰ و کومادنا، ۱۹۹۰). ریسک‌پذیری (خطرپذیری) مشتمل بر ویژگی است که فرد برای انجام کاری یا پذیرش مسئولیتی که احتمال شکست در آن وجود دارد، اعلام آمادگی می‌کند. خطر کردن ممکن است به آگاهی فرد از موضوع بستگی نداشته باشد و حتی فرد از نتایج و پیامدهای احتمالی آن نیز بی‌اطلاع باشد.

ریسک‌پذیری به شخصیت فرد و تجارب گذشته وی بستگی دارد. کارآفرینان اعتدال در خطرپذیری را ترجیح می‌دهند و اموری را دنبال می‌کنند که علاوه بر چالش‌انگیز بودن، نه خیلی سهل‌الوصول و نه غیرممکن باشد (برنز، ۲۰۰۱).

در ارتباط با مفهوم ریسک باید میان ریسک مطلق و ریسک معتدل و معقول تمایز قائل شد. در ریسک مطلق، فرد هیچگونه احتمالی برای موفقیت ندارد، اما ریسک معتدل شامل فعالیت‌هایی است که مهارت و تلاش فرد در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، کارآفرینان از خطر استقبال می‌کنند، در صورتی که حساب شده باشد. این افراد اموری را که در آن هیچگونه امکان موفقیتی وجود ندارد، تقبل نمی‌کنند. ریسک‌پذیری ویژگی ذاتی صرف نیست؛ بلکه محیط در پرورش آن نقش اساسی دارد. ریسک‌پذیری از یک سو، به ویژگی‌های شخصیتی افراد از قبیل کانون کنترل درونی، عزت‌نفس، ابراز وجود و نظایر آن و از دیگر سو به امکاناتی که محیط در اختیار افراد می‌گذارد از قبیل حمایت و ترغیب والدین، مربیان و دولت بستگی دارد. موفقیت‌طلبی یا نیاز و انگیزه

جدول ۱: توزیع نمونه آماری به تفکیک دانشگاه‌های مختلف

دانشگاه‌ها	تعداد نمونه	درصد فراوانی
الزهر	۴۶	۵,۴٪
امیرکبیر	۴۴	۵,۱٪
تربیت مدرس	۴۸	۵,۶٪
تربیت معلم	۶۰	۷,۱٪
تهران	۱۸۶	۲۱,۷٪
شاهد	۷۰	۸,۲٪
شهید بهشتی	۹۶	۱۱,۲٪
صنعتی شریف	۶۰	۷,۱٪
خواجه نصیر طوسی	۵۶	۶,۵٪
علامه طباطبایی	۹۸	۱۱,۴٪
علم و صنعت	۵۴	۶,۳٪
هنر	۱۹	۴,۴٪
جمع کل	۸۵۶	۱۰۰٪

جدول ۲: نرم‌های چهار مقوله ای ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه

مقوله	بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
ریسک پذیری متعادل	[۱۸-۴۳]	[۴۳-۵۱]	[۵۱-۵۷]	[۵۷-۷۲]
کانون کنترل	[۱۷-۴۹]	[۴۹-۵۵]	[۵۵-۶۰]	[۶۰-۶۸]
نیاز به موفقیت	[۱۸-۴۳]	[۴۴-۴۸]	[۴۸-۵۳]	[۵۳-۶۰]
سلامت فکری	[۱۳-۳۴]	[۳۴-۳۸]	[۳۸-۴۳]	[۴۳-۵۲]
عملگرایی	[۸-۲۵]	[۲۵-۲۸]	[۲۸-۳۰]	[۳۰-۳۲]
تحمل ابهام	[۱۱-۱۸]	[۱۸-۲۲]	[۲۲-۲۶]	[۲۶-۴۴]
رویا پردازی	[۷-۱۹]	[۱۹-۲۱]	[۲۱-۲۳]	[۲۳-۲۸]
چالش طلبی	[۶-۱۶]	[۱۶-۱۹]	[۱۹-۲۱]	[۲۱-۲۴]
کارآفرینی	[۹۵-۲۶۴]	[۲۶۴-۲۸۳]	[۲۸۳-۳۰۳]	[۳۰۳-۳۸۰]

جدول ۳: میانگین و وضعیت ابعاد هشتگانه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه

ابعاد	ریسک پذیری	کانون کز ترل	توفیق طلبی	سلاست فکری	عمل گرایی	تحمل ابهام	رویا پردازی	چالش طلبی	کارآفرینی
شاهد/غیرشاهد	۴۹/۱	۵۶/۵۴	۴۸/۰۴	۳۷/۸	۲۸	۲۶/۳	۲۱/۴۲	۱۸/۱۳	۲۸۵/۲۹
کل دانشجویان	ضعیف	قوی	قوی	ضعیف	قوی	بسیار	قوی	ضعیف	قوی

قوی و در کل روحیه کارآفرینی اکثریت دانشجویان (حدود ۶۷/۹ درصد) در وضعیت قوی قرار داشته است.

در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان و مقایسه بین دو گروه دانشجویان زن و مرد در ابعاد هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه، از آزمون t برای گروه‌های مستقل بهره‌گیری شده است. در این آزمون، فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت معناداری میان دو گروه دانشجویان زن و مرد در خصوص برخورداری از هر یک از ویژگی‌های هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف بیانگر وجود تفاوت معناداری بین این دو گروه بوده است.

با توجه به میزان t و سطح معناداری به دست آمده برای هر یک از آزمون‌های جدول ۵ و همچنین به علت آنکه سطوح معناداری مربوط به سه بعد ریسک‌پذیری، رویاپردازی و چالش‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ بوده است، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می‌شود و این امر به معنای وجود تفاوت معنادار بین دو گروه دانشجویان زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از این سه ویژگی شخصیتی کارآفرینانه است. اما بین دانشجویان زن و مرد در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه براساس میزان t و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از جنسیت باشد، مشاهده نشده است.

در کل بین روحیه کارآفرینی دانشجویان زن و مرد براساس آزمون t تفاوت معنادار مشاهده نگردیده است. در این پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان و مقایسه میان مقاطع تحصیلی، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه بهره‌گیری شده است. در این آزمون فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت بین کل دانشجویان نمونه سه مقطع تحصیلی از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف عبارت از وجود تفاوت بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف بوده است. با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در جدول ۶ در ارتباط با دانشجویان ارائه شده است، به این دلیل که فقط سطوح معناداری مربوط به بعد موفقیت‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود.

در پژوهش حاضر، به منظور گردآوری داده و اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه استاندارد شده «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی» بهره‌گیری شده است. این پرسشنامه به منظور به دست آوردن برآوردی از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه افراد مورد مطالعه در محورهای هشتگانه ریسک‌پذیری، کانون‌کنترل، موفقیت‌طلبی، سلاست‌فکر، عمل‌گرایی، تحمل‌ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی طراحی و تدوین شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰,۹۰۹ به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل نمرات دانشجویان مورد مطالعه در هر یک از محورهای هشتگانه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه و مقایسه آن با نرم‌های موجود، توصیف آماری بر روی داده‌ها انجام شده که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ ارائه گردیده است. همچنان که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، نرم‌های مربوط به هر یک از ابعاد هشتگانه روحیه کارآفرینی به صورت مجزا و نرم متغیر روحیه کارآفرینی در چهار مقوله بسیار ضعیف، ضعیف، قوی و بسیار قوی ارائه شده و داده‌های این تحقیق براساس این نرم‌های استاندارد تجزیه و تحلیل گردیده است.

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، کل دانشجویان نمونه در ابعاد ریسک‌پذیری، سلاست‌فکر و چالش‌طلبی در وضعیت ضعیف قرار داشته و در ابعاد کانون‌کنترل، توفیق‌طلبی، عمل‌گرایی و رویاپردازی در وضعیت قوی و در بعد تحمل‌ابهام، دانشجویان نمونه در وضعیت بسیار قوی قرار داشته‌اند و در کل روحیه کارآفرینی دانشجویان نمونه دارای وضعیت قوی ارزیابی شده است.

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۴، عمده دانشجویان در چهار بعد موفقیت‌طلبی (حدود ۳۲/۸ درصد)، سلاست‌فکر (۳۲/۱ درصد)، رویاپردازی (حدود ۳۰/۳ درصد) و چالش‌طلبی (حدود ۳۰/۷ درصد) در وضعیت بسیار ضعیف، در بعد ریسک‌پذیری (حدود ۳۸/۱ درصد) در وضعیت ضعیف و در بعد عمل‌گرایی (حدود ۲۸/۲ درصد) در وضعیت قوی قرار داشته‌اند. همچنین در دو بعد کانون‌کنترل (حدود ۳۴/۲ درصد) و تحمل‌ابهام (حدود ۴۹/۵ درصد) در وضعیت بسیار

جدول ۴: توزیع فراوانی ابعاد هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه نمونه تحقیق به تفکیک نرم چهار مقوله ای

ابعاد	بسیار ضعیف		ضعیف		قوی		بسیار قوی	
	تعداد نمونه	درصد فراوانی	تعداد نمونه	درصد فراوانی	تعداد نمونه	درصد	تعداد نمونه	درصد فراوانی
ریسک پذیری	۱۹۸	٪۳۳،۱	۳۳۶	٪۳۸،۱	۱۹۸	٪۲۳،۱	۱۳۴	٪۱۵،۷
کانون کنترل	۱۴۵	٪۱۶،۹	۲۱۲	٪۲۴،۸	۲۰۶	٪۲۴،۱	۲۹۳	٪۳۴،۲
موفقیت طلبی	۲۸۱	٪۳۲،۸	۱۴۵	٪۱۶،۹	۲۱۷	٪۲۵،۴	۲۱۳	٪۲۴،۹
سلاست فکر	۲۷۴	٪۳۲،۱	۲۰۴	٪۲۳،۸	۲۰۵	٪۲۳،۹	۲۰۲	٪۲۰،۲
عمل گرایی	۱۸۴	٪۲۱،۴	۲۱۲	٪۲۴،۸	۲۴۱	٪۲۸،۲	۲۱۹	٪۲۵،۶
تحمل ابهام	۹۶	٪۱۱،۲	۱۲۹	٪۱۵،۱	۲۰۷	٪۲۴،۲	۴۲۴	٪۴۹،۵
رویابرداری	۲۵۹	٪۳۰،۳	۱۹۰	٪۲۲،۲	۱۴۹	٪۱۷،۴	۲۵۸	٪۳۰،۱
چالش طلبی	۲۶۳	٪۳۰،۷	۳۰۲	٪۳۵،۳	۱۵۳	٪۱۷،۹	۱۳۸	٪۱۶،۱
روحیه کار آفرینی	۲۴	٪۲،۸	۱۸۵	٪۲۱،۶	۵۸۱	٪۶۷،۹	۶۶	٪۷،۷

جدول ۵: نتایج آزمون t به منظور بررسی تفاوت میزان برخورداری دانشجویان زن و مرد از ویژگی‌های هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه

ابعاد روحیه کارآفرینی	گروه‌ها به تفکیک جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
ریسک پذیری	زن	۴۷،۷۹۶۵	۹،۰۹۰۱۱	-۴،۲۱۷	۸۵۴	.۰۰۰
	مرد	۵۰،۱۹۶۵	۷،۵۴۹۷۶			
کانون کنترل	زن	۵۶،۶۲۰۳	۷،۰۴۷۹۷	.۳۲۲	۸۵۴	.۷۴۷
	مرد	۵۶،۴۶۵۸	۶،۹۵۸۵۹			
موفقیت طلبی	زن	۴۷،۵۷۳۲	۶،۸۲۷۴۰	-۱،۸۸۱	۸۵۴	.۰۶۰
	مرد	۴۸،۴۴۵۹	۶،۷۲۷۹۵			
سلاست فکر	زن	۳۷،۵۴۳۴	۶،۳۵۴۷۷	-۱،۱۴۹	۸۵۴	.۲۵۱
	مرد	۳۸،۰۳۳۱	۶،۱۰۳۱۹			
عملگرایی	زن	۲۸،۱۷۳۷	۳،۳۸۴۸۷	۱،۴۸۲	۸۵۴	.۱۳۹
	مرد	۲۷،۸۳۶۶	۳،۲۶۵۵۰			
تحمل ابهام	زن	۲۶،۴۰۹۴	۵،۹۴۵۳۲	.۵۰۱	۸۵۴	.۶۱۶
	مرد	۲۶،۲۰۵۳	۵،۹۴۷۰۲			
رویابرداری	زن	۲۱،۰۸۱۹	۳،۵۲۰۴۸	-۲،۷۶۳	۸۵۴	.۰۰۶
	مرد	۲۱،۷۲۴۱	۳،۲۷۷۲۰			
چالش طلبی	زن	۱۷،۶۲۰۳	۳،۳۰۴۱۹	-۴،۴۳۸	۸۵۴	.۰۰۰
	مرد	۱۸،۵۷۴۰	۲،۹۸۱۷۹			
روحیه کارآفرینی	زن	۲۸۲،۸۱۸۹	۲۸،۶۱۷۹۹	-۲،۴۵۹	۸۵۴	.۰۱۴
	مرد	۲۸۷،۴۸۱۲	۲۶،۸۴۲۰۹			

جدول ۶: آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از ویژگیهای هشتمانه شخصیتی کارآفرینانه

ابعاد روحیه کارآفرینی	منابع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربع انحرافات	میانگین مجموع مربع انحرافات	مقدار F	سطح معناداری
ریسک پذیری	بین گروهی	۲	۳۳۲,۰۲۸	۱۱۰,۶۷۶	۱,۵۷۵	.۱۹۴
	درون گروهی	۸۵۳	۵۹۸۷۷,۱۷۶	۷۰,۲۷۸		
	کل	۸۵۵	۶۰۲۰۹,۲۰۴			
کانون کنترل	بین گروهی	۲	۲۵۱,۳۴۸	۸۳,۷۸۳	۱,۷۱۶	.۱۶۲
	درون گروهی	۸۵۳	۴۱۶۰۹,۳۸۰	۴۸,۸۳۷		
	کل	۸۵۵	۴۱۸۶۰,۷۲۸			
موفقیت طلبی	بین گروهی	۲	۴۲۵,۵۴۳	۱۴۱,۸۴۸	۳,۱۰۴	.۰۲۶
	درون گروهی	۸۵۳	۳۸۹۳۵,۴۰۶	۴۵,۶۹۹		
	کل	۸۵۵	۳۹۳۶۰,۹۴۹			
سلاست فکر	بین گروهی	۲	۱۴۱,۰۱۰	۴۷,۰۰۳	۱,۲۱۴	.۳۰۳
	درون گروهی	۸۵۳	۳۲۹۸۰,۶۲۴	۳۸,۷۱۰		
	کل	۸۵۵	۳۳۱۲۱,۶۳۴			
عملگرایی	بین گروهی	۲	۶۱,۵۷۲	۲۰,۵۲۴	۱,۸۶۳	.۱۳۴
	درون گروهی	۸۵۳	۹۳۸۸,۴۰۹	۱۱,۰۱۹		
	کل	۸۵۵	۹۴۴۹,۹۸۱			
تحمل ابهام	بین گروهی	۲	۹۰,۵۰۸	۳۰,۱۶۹	۸۵۴	.۴۶۵
	درون گروهی	۸۵۳	۳۰۱۱۳,۷۳۰	۳۵,۳۴۵		
	کل	۸۵۵	۳۰۲۰۴,۲۳۸			
رویاپردازی	بین گروهی	۲	۱۹,۳۲۲	۶,۴۴۱	۵۵۴	.۶۴۶
	درون گروهی	۸۵۳	۹۹۰۵,۴۳۴	۱۱,۶۲۶		
	کل	۸۵۵	۹۹۲۴,۷۵۶			
چالش طلبی	بین گروهی	۲	۴۳,۹۷۵	۱۴,۶۵۸	۱,۴۵۹	.۲۲۴
	درون گروهی	۸۵۳	۸۵۵۷,۶۵۰	۱۰,۰۴۴		
	کل	۸۵۵	۸۶۰۱,۶۲۵			
روحیه کارآفرینی	بین گروهی	۲	۴۴۲۷,۰۲۰	۱۴۷۵,۶۷۳	۱,۹۱۹	.۱۲۵
	درون گروهی	۸۵۳	۶۵۵۱۰۷,۸۵۸	۷۶۸,۶۰۹		
	کل	۸۵۵	۶۵۹۵۳۴,۸۷۷			

مربوط به این آزمون‌ها در جدول ۶ ارائه شده است. در راستای بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان نمونه براساس رشته‌های تحصیلی و مقایسه بین گروه‌های تحصیلی مختلف در این پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس یکراهه استفاده شده است.

در این آزمون فرض صفر شامل عدم وجود تفاوت بین دانشجویان نمونه پنج گروه تحصیلی از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشتمانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف عبارتند از وجود تفاوت بین دانشجویان گروه‌های تحصیلی

به تعبیر دیگر، بین کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی موفقیت‌طلبی تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه براساس میزان F و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از مقطع تحصیلی باشد، مشاهده نگردیده است. همچنین در کل، تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف براساس آزمون F مشاهده نشده است. نتایج

رویپردازی و چالش‌طلبی تفاوت معنادار وجود دارد، اما بین کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه براساس میزان F و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری ناشی از گروه تحصیلی، مشاهده نشده است. همچنین در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف براساس آزمون F مشاهده نگردیده است (جدول ۷).

مختلف بوده است. با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در مورد کل دانشجویان نمونه در جدول ۷ ارائه گردیده است، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به ابعاد سلاست‌فکر، تحمل‌ابهام، رویپردازی و چالش‌طلبی کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ بوده، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می‌شود و این بدان معناست که بین کل دانشجویان نمونه گروه‌های تحصیلی مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی‌های سلاست‌فکر، تحمل‌ابهام،

جدول ۷: نتایج آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان رشته تحصیلی مختلف از ویژگی‌های هشتمگانه شخصیتی کارآفرینانه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجموع مربع انحرافات	مجموع مربع انحرافات	درجه آزادی	منابع تغییرات	ابعاد روحیه کارآفرینی
.۳۵۲	۱,۱۰۶	۷۷,۸۴۶	۳۱۱,۳۸۴	۴	بین گروهی	ریسک‌پذیری
		۷۰,۳۸۵	۵۹۸۹۷,۸۲۱	۸۵۱	درون گروهی	
			۶۰۲۰۹,۲۰۴	۸۵۵	کل	
.۰۸۳	۲,۰۶۷	۱۰۰,۶۸۲	۴۰۲,۷۲۹	۴	بین گروهی	کانون‌کنترل
		۴۸,۷۱۷	۴۱۴۵۸,۹۹۸	۸۵۱	درون گروهی	
			۴۱۸۶۰,۷۲۸	۸۵۵	کل	
.۶۲۹	.۶۴۸	۲۹,۸۶۸	۱۱۹,۴۷۳	۴	بین گروهی	موفقیت‌طلبی
		۴۶,۱۱۲	۳۹۲۴۱,۴۷۶	۸۵۱	درون گروهی	
			۳۹۳۶۰,۹۴۹	۸۵۵	کل	
.۰۱۳	۳,۱۶۸	۱۲۱,۵۱۰	۴۸۶,۰۴۱	۴	بین گروهی	سلاست‌فکر
		۳۸,۳۵۰	۳۲۶۳۵,۵۹۳	۸۵۱	درون گروهی	
			۳۳۱۲۱,۶۳۴	۸۵۵	کل	
.۴۸۴	.۸۶۶	۹,۵۷۲	۳۸,۲۸۹	۴	بین گروهی	عملگرایی
		۱۱,۰۶۰	۹۴۱۱,۶۹۳	۸۵۱	درون گروهی	
			۹۴۴۹,۹۸۱	۸۵۵	کل	
.۰۰۶	۳,۶۳۰	۱۲۶,۶۹۰	۵۰۶,۷۵۹	۴	بین گروهی	تحمل‌ابهام
		۳۴,۸۹۷	۲۹۶۹۷,۴۸۰	۸۵۱	درون گروهی	
			۳۰۲۰۴,۲۳۸	۸۵۵	کل	
.۰۲۸	۲,۷۲۵	۳۱,۳۸۰	۱۲۵,۵۱۸	۴	بین گروهی	رویپردازی
		۱۱,۵۱۵	۹۷۹۹,۲۳۸	۸۵۱	درون گروهی	
			۹۹۲۴,۷۵۶	۸۵۵	کل	
.۰۱۹	۲,۹۸۰	۲۹,۷۰۲	۱۱۸,۸۰۹	۴	بین گروهی	چالش‌طلبی
		۹,۹۶۸	۸۴۸۲,۸۱۶	۸۵۱	درون گروهی	
			۸۶۰۱,۶۲۵	۸۵۵	کل	
.۱۴۴	۱,۷۱۷	۱۳۲۰,۲۹۴	۵۲۸۱,۱۷۵	۴	بین گروهی	روحیه کارآفرینی
		۷۶۸,۸۰۶	۶۵۴۲۵۳,۷۰۲	۸۵۱	درون گروهی	
			۶۵۹۵۳۴,۸۷۷	۸۵۵	کل	

جدول ۸: نتایج آزمون F برای بررسی تفاوت میزان برخورداری کل دانشجویان دانشگاه‌های مختلف از ویژگی‌های هشنگانه شخصیتی کارآفرینانه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجموع مربع انحرافات	مجموع مربع انحرافات	درجه آزادی	منابع تغییرات	ابعاد روحیه کارآفرینی
.۲۳۵	۱,۲۷۳	۸۹,۳۳۶	۹۸۲,۶۹۶	۱۱	بین گروهی	ریسک‌پذیری
		۷۰,۱۷۴	۵۹۲۲۶,۵۰۸	۸۴۴	درون گروهی	
			۶۰۲۰۹,۲۰۴	۸۵۵	کل	
.۱۴۵	۱,۴۵۰	۷۰,۵۹۳	۷۷۶,۵۱۸	۱۱	بین گروهی	کانون کنترل
		۴۸,۶۷۸	۴۱۰۸۴,۲۱۰	۸۴۴	درون گروهی	
			۴۱۸۶۰,۷۲۸	۸۵۵	کل	
.۴۰۵	۱,۰۴۴	۴۸,۰۳۵	۵۲۸,۳۸۰	۱۱	بین گروهی	موفقیت طلبی
		۴۶,۰۱۰	۳۸۸۳۲,۵۶۸	۸۴۴	درون گروهی	
			۳۹۳۶۰,۹۴۹	۸۵۵	کل	
.۹۰۶	.۴۹۶	۱۹,۳۳۸	۲۱۲,۷۲۳	۱۱	بین گروهی	سلاست‌فکر
		۳۸,۹۹۲	۳۲۹۰۸,۹۱۱	۸۴۴	درون گروهی	
			۳۳۱۲۱,۶۳۴	۸۵۵	کل	
.۱۷۷	۱,۳۸۰	۱۵,۱۷۳	۱۶۶,۹۰۸	۱۱	بین گروهی	عملگرایی
		۱۰,۹۹۹	۹۲۸۳,۰۷۴	۸۴۴	درون گروهی	
			۹۴۴۹,۹۸۱	۸۵۵	کل	
.۰۰۹	۲,۲۹۰	۷۹,۵۸۹	۸۷۵,۴۸۳	۱۱	بین گروهی	تحمل ابهام
		۳۴,۷۵۰	۲۹۳۲۸,۷۵۵	۸۴۴	درون گروهی	
			۳۰۲۰۴,۲۳۸	۸۵۵	کل	
.۱۰۸	۱,۵۵۳	۱۷,۸۹۴	۱۹۶,۸۳۵	۱۱	بین گروهی	رویابرداری
		۱۱,۵۲۶	۹۷۲۷,۹۲۱	۸۴۴	درون گروهی	
			۹۹۲۴,۷۵۶	۸۵۵	کل	
.۸۳۳	.۵۹۶	۶,۰۲۶	۶۶,۲۸۶	۱۱	بین گروهی	چالش طلبی
		۱۰,۱۱۳	۸۵۳۵,۳۳۹	۸۴۴	درون گروهی	
			۸۶۰۱,۶۲۵	۸۵۵	کل	
.۷۳۶	.۷۰۴	۵۴۴,۹۰۳	۵۹۹۳,۹۳۲	۱۱	بین گروهی	روحیه کارآفرینی
		۷۷۴,۳۳۸	۶۵۳۶۴۰,۹۴۵	۸۴۴	درون گروهی	
			۶۵۹۵۳۴,۱۷۷	۸۵۵	کل	

و تولید علم و همچنین از طریق برخورداری از دانش و فناوری پیشرفته، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، در جایگاه برتر علمی، فناوری و اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی قرار گیرد. بنابراین دستیابی به این اهداف و تحقق توسعه پایدار کشور، بدون مدیریت و برنامه‌ریزی علمی، جامع و نظام‌مند تمامی حوزه‌ها به ویژه حوزه فناوری، نوآوری و کارآفرینی امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، کارآفرینی به مثابه موتور محرکه فرایند توسعه ملی، پدیده‌ای است که کشور ما به تبع از یک حرکت جهانی، بیش از یک دهه است که آن را آغاز نموده، اما همچنان آسیب‌ها، موانع و محدودیت‌های فراوانی در مسیر تحقق کامل آن در کشور وجود دارد.

در حال حاضر، کشور ما به رغم برخورداری از منابع انسانی توانمند و متعهد و نیز منابع طبیعی غنی و ارزشمند، از رشد اقتصادی مطلوبی برخوردار نبوده و شمار قابل توجهی از نیروهای جوان و تحصیل کرده، از امکان اشتغال مناسب بی‌بهره‌اند و این در حالی است که همچنان تأکید نیروهای جوان بر اشتغال در دستگاه‌های دولتی و بخش خدماتی است. افزون بر آن، بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات داخلی به دلیل بهره‌وری اندک و کیفیت پایین خدمات و محصولات، قادر به رقابت در بازارهای بین‌المللی نیستند و همچنان نیازمند حمایت‌های ویژه دولتی‌اند. از این رو، توسعه کارآفرینی با رویکرد فرصت‌آفرینی، ثروت‌آفرینی و ارزش‌آفرینی در جامعه بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

به طور کلی، یکی از الزامات و پیش‌نیازهای اساسی و زیربنایی تحقق توسعه کارآفرینی در کشور، مطالعه و تحلیل ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه میان جوانان به طور اعم، و دانشجویان و دانش‌آموختگان به طور اخص ضعیف بودن دانشجویان در محورهای ریسک‌پذیری، سلاست‌فکر و چالش‌طلبی به عنوان محورهای اساسی روحیه کارآفرینی به دلیل وجود فرهنگ دستوری، تقلیدی و غیرمولد در جامعه و ناکارآمدی نظام آموزشی و آموزش عالی کشور در تدارک بستر مناسب به منظور توسعه روحیه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان است.

با توجه به مطالب مطرح شده، تحقیق حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و مقایسه ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل انجام شده است. نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش فوق حاکی از آن است که ضعیف بودن دانشجویان در محورهای

به منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان نمونه براساس دانشگاه‌های محل تحصیل و مقایسه بین دانشگاه‌های مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه بهره‌گیری شده است. در این آزمون فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت بین دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های هشتگانه شخصیتی کارآفرینانه و فرض خلاف مشتمل بر وجود تفاوت بین دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بوده است. با عنایت به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در مورد کل دانشجویان نمونه در جدول ۸ ارائه گردیده است، به این دلیل که فقط میزان سطوح معناداری مربوط به تحمل‌ابهام کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ بوده، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود و این بدان معناست که بین کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف در خصوص برخورداری از ویژگی تحمل‌ابهام تفاوت وجود دارد. اما بین کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف در خصوص میزان برخورداری از سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه براساس میزان F و سطح معناداری به دست آمده، تفاوتی که ناشی از دانشگاه محل تحصیل باشد، مشاهده نگردیده است. همچنین در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی کل دانشجویان نمونه دانشگاه‌های مختلف براساس آزمون F مشاهده نشده است (جدول ۸).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه تاریخ تحولات جهان بیانگر آن است که در ربع آخر قرن بیستم، جهان دچار چنان دگرگونی شده است که با هیچ یک از دوره‌های ماقبل خود قابل قیاس نیست. این تحول از آن نظر حائز اهمیت است که به روندی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده و هر لحظه شتابی مضاعف به خود می‌گیرد. در این راستا، برخی از کشورهای جهان سوم با گذشت حدود دو قرن از آغاز انقلاب صنعتی اروپا و آگاهی از آنچه که پیش از این از آن غفلت کرده بودند، اکنون در حرکت به سمت توسعه، عزم و اراده‌ای جدی به خود گرفته‌اند. نخستین گام‌های این حرکت در کشور ما از سال ۱۳۲۷ هجری شمسی آغاز و تاکنون طی پنج برنامه توسعه پیش از انقلاب و چهار برنامه توسعه پس از انقلاب و هم‌اینک نیز برنامه پنجم سازندگی، اقدامات متعددی که گاه با شکست و گاه با موفقیت همراه بوده، دنبال شده است، اما متأسفانه فاصله ما با کشورهای پیشرو و توسعه یافته همچنان باقی است.

براساس اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران باید در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری

- ایجاد زمینه مناسب و تحقق حمایت‌های قانونی مورد نیاز به منظور تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی؛
- ایجاد بانک ایده و پایگاه‌های اطلاعاتی جهت دسترسی دانشجویان و دانشگاهیان به نتایج پژوهش‌ها؛
- بازنگری دروس و رشته‌های دانشگاهی با تأکید بر رشته‌های بین رشته‌ای از طریق مشارکت بخش صنعت براساس نیاز بازار کار و جامعه؛
- آشناسازی دانشجویان با مشاغل بالفعل و بالقوه مرتبط با رشته‌های تحصیلی‌شان و ایجاد الگوهای موفق دانشگاهی در عرصه صنعت و کسب و کار؛
- توسعه جلسات هم‌اندیشی و بحث و گفت‌وگو آزاد بین اساتید و دانشجویان و در نظر گرفتن مکانیزم‌های انگیزشی مختلف برای دانشجویان به منظور ارائه ایده‌های کارآفرینانه؛
- ترسیم خطرات و موفقیت‌های پیش‌روی کارآفرینان برای دانشجویان و فراهم آوردن امکان بازدید آنان از پارک‌ها و مراکز رشد و سایر مراکز مشابه؛
- حمایت مادی و معنوی از دانشجویان جهت پیاده سازی ایده‌های نوآورانه و تجلیل و قدردانی از دانشجویان کارآفرین به منظور ایجاد انگیزه در سایرین؛
- فراهم آوردن محیطی جهت اظهار نظر و انتقاد دانشجویان از عملکرد مسئولین دانشگاه‌ها و پرهیز آنان از تصمیم‌گیری‌های مقطعی و سلیقه‌ای و پیگیری تحقق تصمیمات اثربخش در دانشگاه؛
- ارزیابی و سنجش مستمر ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان و استعدادیابی و هدایت اثربخش‌تر آنان به رشته‌ها و مراکز مناسب در کشور در راستای تقویت روحیه کارآفرینی آنان؛
- افزایش رشته‌ها، گروه‌ها و دانشکده‌های کارآفرینی در کشور و هدایت دانشجویان به سمت این رشته‌ها؛
- حمایت از پایان‌نامه‌های با موضوعات نو و برگزاری مسابقات ارائه ایده‌های نوآورانه و کارآفرینانه در راستای تشویق دانشجویان به کارآفرینی؛

ریسک‌پذیری، سلاست‌فکر و چالش‌طلبی به عنوان محورهای اساسی روحیه کارآفرینی می‌تواند به دلیل وجود فرهنگ دستوری، تقلیدی و غیرمولد در جامعه و ناکارآمدی نظام آموزشی و آموزش عالی کشور در تدارک بستر مناسب به منظور توسعه روحیه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان باشد. در ارتباط با نتایج حاصل از وجود تفاوت معناداری میان دانشجویان زن و مرد در ابعاد ریسک‌پذیری، رویکردی و چالش‌طلبی، می‌توان چنین اشاره نمود که این تفاوت احتمالاً ناشی از اعطای مسئولیت اداره و تأمین معاش خانواده برعهده مرد است و در مقابل زنان به دلیل مسئولیت کمتر در این زمینه از توان ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند.

براساس تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهشی و نتایج به دست آمده، معلوم می‌گردد که به استثنای یک محور، در کل تفاوت معناداری بین روحیه کارآفرینی دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف براساس آزمون F ملاحظه نمی‌شود. این بدان معناست که مسایل و مشکلات موجود در ارتباط با توسعه روحیه کارآفرینی دانشجویان در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور، تقریباً در تمامی مقاطع تحصیلی مشترک بوده و وضعیت متفاوتی در هیچ یک از مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشاهده نمی‌گردد که ریشه‌های عمیق‌تر این امر را نیز می‌توان در نظام آموزش و پرورش کشور جستجو نمود. با توجه به اینکه براساس میزان F و سطح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری در ارتباط با ویژگی تحمل‌ابهام برای دانشجویان دانشگاه‌های مختلف مطرح بوده است، بنابراین دلیل این تفاوت به دانشگاه محل تحصیل مربوط می‌باشد. به عبارت دیگر، ابهامات و عدم اطمینان‌های موجود در پیشروی دانشجویان دانشگاه‌های مورد مطالعه، به دلیل برخورداری برخی از این دانشگاه‌ها از جایگاه مطلوب‌تر در بازار کار داخلی و بین‌المللی، دانشجویان مشغول به تحصیل در آنان از آینده‌ای مطمئن‌تر بهره‌مند هستند. براساس نتایج حاصل از این پژوهش و تحلیل سؤال باز پرسشنامه مبنی بر ارائه راهکارهای ارتقای ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان مورد مطالعه، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- برنامه ریزی به منظور دگردیسی دانشگاه‌های کشور به دانشگاه‌های نوآور و کارآفرین و کسب ویژگی‌های برتر آنان؛

منابع

۱. پرداختچی، محمد حسن. شفیع زاده، حمید(بهار ۱۳۸۵)، درآمدی بر کارآفرینی سازمانی، نشر ارسباران، تهران.
۲. حسن مرادی، نرگس(۱۳۸۵). مدیریت کارآفرینی، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو، تهران.
۳. حسینی، حسن(۱۳۸۴). «نقش مراکز آموزش فنی و حرفه ای در آموزش کارآفرینی با توجه به بررسی تجارب کشورهای آسیایی»، مجموعه مقالات دومین همایش نقش آموزشهای فنی و حرفه ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی، ج اول، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان مازندران، دانشگاه مازندران.
۴. دهقانپور فراشاه، علی(۱۳۸۱). «کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگی‌ها»، فصلنامه صنایع شماره ۳۳: ۲۴-۱۲.
۵. سعیدی کیا، مهدی(۱۳۸۶). اصول و مبانی کارآفرینی، انتشارات کیا، تهران.
۶. شاه حسینی، علی(۱۳۸۶). کارآفرینی، انتشارات آبیژ، تهران.
۷. صمدآقائی، جلیل(۱۳۷۸). سازمانهای کارآفرین ، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۸. صمدی، پروین و شیرزادی، هما(۱۳۸۵). «بررسی رابطه‌ی جو سازمانی مدرسه با روحیه‌ی کارآفرینی در دانش‌آموزان»، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۶.
۹. عطار، حسین(۱۳۸۸). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی کارآفرینانه بر ویژگیهای شخصیتی کارآفرینی مدیران شرکت‌های خودروسازی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی واداری، دانشگاه مازندران.
۱۰. کردنائیچ، اسدالله- زالی(۱۳۸۸). محمدرضا- هومن، حیدرعلی- شمس، شهاب‌الدین، ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی، تهران.
۱۱. کوراتکو، داند اف وهاجتس، ریچارد ام(۱۳۸۳). کارآفرینی، عامل محرایی، ابراهیم وتبرائی، محسن(مترجمان)، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۲. محمدی الیاسی، قنبر (۱۳۸۷). « موضوع کارآفرینی به عنوان یک حوزه ی علمی»، توسعه‌ی کارآفرینی، سال اول، شماره اول، صص ۵۱-۸۵.
13. Littunen, Annu, (2000). "Entrepreneurship and the characteristics of entrepreneurial personality", International journal of entrepreneurial behavior research, Vol. 6, No. 6,.
14. Ma, Hao & Tan, Justin, (2006). "Key components and implications of entrepreneurship: A 4- P framework", Journal of Business Venturing, Vol.21.
15. Oosterbeek, Hessel- Van Praag, Mirjam- Ijsselstein, Auke, (2009). "The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation", European Economic Review.
16. Robinson, D et al, (2003). "Ethics beyond the code of conduct understanding the ethical dilemmas of entrepreneurs", Meditari Accountancy Research, Vol.11,
17. Romero- Martez, Ana M- Fernandez-Rodriguez, Zulima- Vazquez- Inchausti, Elena, (2010). "Exploring corporate entrepreneurship in privatized firms", Journal of World Business, Vol.45.
18. Anokhin, Sergey- Schulze, William S, (2009). "Entrepreneurship, innovation, and corruption", Journal of Business Venturing, Vol.24.
19. Brown, Terrence E- Ulijn, Jan, (2004). Innovation, Entrepreneurship and Culture: The interaction between technology, progress and economic growth, Edward Elgar Publishing.
20. Duncan, W. et al. (1988). Entrepreneurship and reinvention of the corporation, business horizons, may & June.
21. Howard, S. (2004), Developing Entrepreneurial potential in youth: The effects of entrepreneurial education and venture creation, University of south florida report,.
22. Johnson, Debra- Craig, Justin B.L- Hildebrand, Ryan, (2006). "Entrepreneurship education: Towards a discipline- based framework", Journal of management Development, Vol.25, No.1,.

23. Sandra, S.L. & Dubinsky, A.J., (2000) "Institution entrepreneurship. A package entrepreneurship-A package for universities in transition", *European journal of marketing*, Vol.34.
24. Skerlavaj, Miha- Song, Ji Hoon- Lee, Youngmin, (2010). "Organizational learning culture, innovative culture and innovations in south Korean firms", *Expert systems with application: An international journal*, Vol.37.
- for Skerlavaj, Miha- Song, Ji Hoon- Lee, Youngmin,
25. Williams, Christopher- Hee Lee, Soo, (2009). "International management, political arena and dispersed entrepreneurship in the MNC", *Journal of world business*, Vol.44.
26. Wilson, Rachel C, (2008). "When entrepreneurship and Ethics Collide: The case of physician- owned specialty hospitals", *The journal of applied management and entrepreneurship*, Vol.13, No.2.